

پشت بوم

لطفاًتصویر دیگری از ایران مخابره کنید



حسین هاشم‌پور

● به ابتکار هنر آتلان، ۹۰ خبرنگار از ۵۵ رسانه ۲۵ کشور در پنجشنبه‌ای که گذشت، به دیدار موزه هنرهای معاصر تهران رفتند؛ حضور پررنگ رسانه‌های اروپایی با دوربین‌های فیلم‌برداری گویای میل بسیار آنها برای یافتن تصاویری نو از تهران و ایران بود؛ جالب آنکه برخی‌شان می‌گفتند چندین‌سال است فقط از سوی دستگاه‌ها و نهادهای سیاسی دعوت می‌شوند و بس! فقط در همین تهران، به اندازه کل خاورمیانه هنرمند سکونت دارد؛ تعداد افتتاحیه گالری‌های تهران در یک جمعه، گاه با کل رویدادهای فرهنگی برخی از کشورهای غربی همسایه برابری می‌کند؛ شمار هنرمندان زن در ایران حتی از برخی کشورهای توسعه‌یافته چشمگیرتر است... کسی این آمارها را در قالب‌های جذاب خبری به رسانه‌های خارجی انتقال نمی‌دهد!

دو آثار تونی کرگ در موزه هنرهای معاصر و حضور شخص او در تهران، پیام ویژه‌ای برای خبرنگاران خارجی داشت: «چهره‌های شاخص فرهنگ و هنر دنیا با ایران در تعامل و آموشد هستند و ایران‌هراسی و ایجاد ترس از ثبت مهر جمهوری اسلامی در پاسپورت این چهره‌ها، توقیفی نداشته است».

سه؛ آقای محمدجواد ظریف، بیش از دیگر وزرا در رویدادهای هنری حضور داشت که البته چند ماهی است این منثوی شیرین به تأخیر افتاده و کمتر ایشان رؤیت می‌شوند، اما همان دیدارهای یک دیپلمات کاربلد از ارکسترها، نمایشگاه‌ها، جشنواره فیلم فجر ...، پیام روشنی داشت: ایران فقط عرصه سیاست نیست اتفاقا جوانگاه وسیع فرهنگ و هنر است و ضروری است دنیا این گزاره را بداند. اگر دوربین‌ها به سمت دیگری روماند، وظیفه ماست با اطلاع‌رسانی درست لنزها را بچرخانیم.

چهار؛ دونالد ترامپ یک فرصت بی‌بدیل برای ایران است، اگر هوشمندی به خرج دهیم و در این روزگار که بیش از همیشه زیر ذره‌بین هستیم و دقیق رصد می‌شویم فضای پرشور و رنگین هنر ایران را در رسانه‌های خارجی بازتاب دهیم؛ حتما برای مردم دنیا تماشایی خواهد بود که اخبار رویدادهای بزرگ هنری ما را ببینند و خبری متفاوت از ایران بشنوند؛ رسانه‌های داخلی با برجسته‌سازی این اتفاقات فرهنگی و جای‌دادن آنها در صفحات نخست خود و به حتم نهادهای فرهنگی با دعوت مستمر و پیکرانه از رسانه خارجی حاضر در تهران می‌توانند نقشی تعیین‌کننده در این رقم خبری ایفا کنند.

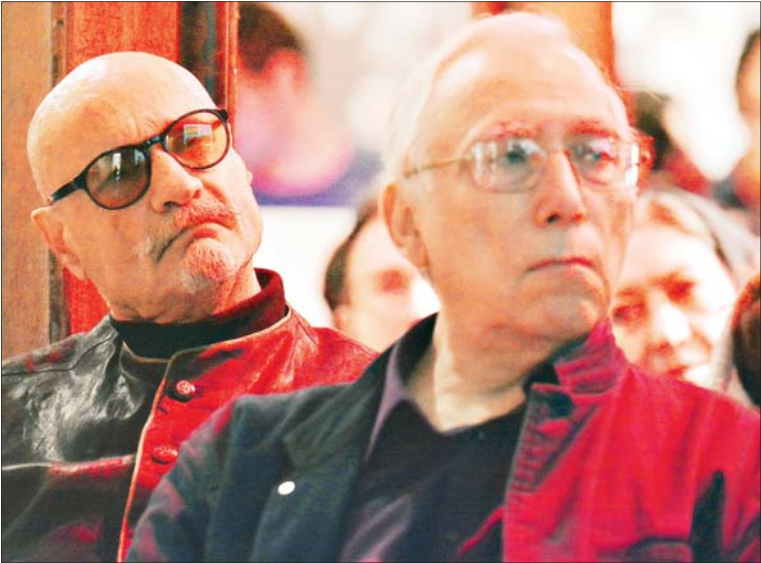
جاری‌چ

سوسن پرور با «هایلایت» به‌باران می‌رود

● گروه هنر: نمایش «هایلایت»، به کارگردانی سوسن پرور، به‌زودی در تماشاخانه باران روی صحنه می‌رود. سوسن پرور در این نمایش با نگاهی آسیب‌شناسانه و بارویکردی کاملاً طنزانه به ازبیین‌رفتن مفهوم خانواده می‌پردازد. «هایلایت»، روایت زندگی زناشویی چند زن در یک آرایشگاه است و این سؤال را مطرح می‌کند که چرا زندگی‌های متاهلی درحال‌حاضر چندان موفق نیستند؟ چرا در میانه راه عشق فراموش می‌شود، آنها که عاشق هم بودند، به هم عادت می‌کنند یا اینکه زندگی‌شان شامل روزمرگی می‌شود و گذر زمان باعث می‌شود خوبی‌های یکدیگر را فراموش کنند و فقط ایرادهای یکدیگر را ببینند. «هایلایت» را ریاحنه حسن‌زاده و سوسن پرور نوشته‌اند و از آخر آبان‌ماه در تماشاخانه باران روی صحنه می‌رود. سوسن پرور، بازیگر تئاتر، سینما و تلویزیون، پیش از این با نمایش «پالت»، به کارگردانی محمد حاتم‌ی روی صحنه رفته بود. پرور نمایش‌های «توالث»، «شوگ»، «اشتب باه گرد تنها» و... را کارگردانی کرده است.

تئاتر شهر و سنگلج ۱۷و ۱۸آبان اجرائی ندارند

● گروه هنر: تمامی نمایش‌های به‌صحنه‌رفته در تالارهای مختلف مجموعه تئاتر شهر و سنگلج روزهای چهارشنبه، ۱۷ و پنجشنبه، ۱۸ آبان، هم‌زمان با ایام سوگواری اربعین حسینی به صحنه نمی‌روند. به‌ماکنون نمایش‌های «گلن»، «بی‌خوابی»، به کارگردانی سهراب سلیمی در تالار قشقایی، «اکواریوم»، به کارگردانی سیامک احصایی در تالار چارپسو، «برواز شماره ۷۴۵»، به کارگردانی مرجان پورغلامحسین، «نذار این خواب تعبیر بشه»، به کارگردانی مهدی نصیری در تالار سایه و «ان سه نفر»، به کارگردانی شهاب راحله در پلاتو اجرا روی صحنه‌اند. نمایش «اون دیگه اینجا زندگی نمیکه»، به نویسندگی و کارگردانی پیام عزیزی که اجرای خود را از روز ۲۰ مهر در سنگلج آغاز کرده، جمعه، ۱۹ آبان ساعت ۱۹:۴۵ اجرای خود را از سر خواهد گرفت.



علیرضا بخشی استوار: «کارگاه نمایش»، از سال‌های پایانی دهه ۴۰ که کارگاه نمایش دایر شد، فعالیت کرد و بعد چراغش خاموش شد، همیشه در هر گوشه‌ای که کسی قصد کرده به شکلی غربال‌شده تاریخ هنر ایران را بررسی کند، به این عنوان معتبر بر خورده است. عنوانی که با وجود فعالیت‌های محدود هنرمندانش در نزدیک به ۱۰ سال، به ستونی می‌ماند که از بدنه تاریخ هنر ایران جداکردنی نیست. در کارگاه نمایش برای نخستین بار مانیفست، بیانیه (هدف) یا عنوان دیگری در تمام بروشورها و یا برگه‌هایی که به کارگاه تعلق دارد، درج می‌شود که در آن نوشته شده است: «کمک به نویسندگان، بازیگران، کارگردانان و طراحان برای خودآزمایی‌ها و تجربه‌هایی به دور از محدودیت‌های متداول حرفه نمایش». چهارمین رکن که در این «هدف کارگاه» درباره آن صحبت می‌شود، طراحی است. طراحی به‌معنای گسترده آن که طراحی گرافیک را نیز دربر می‌گیرد. موضوعی که به‌تازگی و با برپایی نمایشگاه «آرشیو گرافیک کارگاه نمایش» در گالری طراحان آزاد ابعاد گسترده‌تری از اهمیت آن در کارگاه نمایش نمایان شده است. ابعادی که در حقیقت به‌عنوان تکه‌ای از یک پازل می‌تواند کمک بسیاری در شناخت یک کلیت از روند گرافیک در هنر تجسمی ایران باشد.

دوشنبه هشتم آبان و هم‌زمان با روزهای پایانی نمایشگاه «آرشیو گرافیک کارگاه نمایش» که ششمین پروژه آرشیوی استودیو کارگاه علی بختیاری است، برخی از هنرمندان فعال در کارگاه نمایش مانند فریدون آو، آربی اوانسیان، پرویز پورحسینی، محمد رزبان و... در کنار افرادی چون محمدرضا اصلانی، آتیلا پسیانی، حمید پورآذری و تنی چند از اهالی سرشناس تئاتر و هنرهای تجسمی در محل این گالری جمع شدند تا درباره طراحی، به‌ویژه گرافیک در کارگاه نمایش صحبت کنند.

تأثیر عملکرد کارگاهی در خلق پوسترهایی جسورانه

آریا کسبایی، گردآورنده این نمایشگاه در ابتدای این نشست که بیشتر یک مباحثه جمعی بود، درباره اهمیت نوع فعالیت کارگاه نمایش در تولید اثر و نقش آن در تجربه‌گرایی در حوزه گرافیک به ایراد سخن پرداخت. او پس از نمایش آثار تولیدشده در کارگاه به‌صورت اسلاید و بررسی روند و سیر عرصه‌ای این آثار گفت: «مهر

بخواجهی تاریخ گرافیک و هنر را در ایران مثل یک منظره‌ای بدانیم که با قطعات پازل ساخته می‌شود، کارگاه نمایش قطعه‌ای یکی از قطعات این پازل خواهد بود و بدون آن این منظره کامل نخواهد شد. به نظر من این درست نیست که تدوین تاریخ هنر در ایران تا این اندازه به اقتصاد هنر وابسته شده است. به‌ویژه امروزه این ماجرا بیشتر به چشم می‌آید. درواقع نسبت ذکرشدن هر اثر در تاریخ هنر وابسته به قیمت آن محصول یا اثر هنری شده است، درصورتی‌که بسیاری از تولیدات و تجربیات تصویری که در سال‌های دهه ۴۰ در حوزه گرافیک و تصویرسازی اتفاق افتاد، خیلی تجربی‌تر و پیشروتر از سایر رسانه‌ها در همان دوره تاریخی است. تاریخ

تجسمی که امروز نوشته می‌شود، نباید تا این اندازه خود را به نقاشی و مجسمه‌سازی محدود کند. شاید شور بسیاری از هنرها مثل گرافیک، طراحی، کاریکاتور و عکاسی به‌گونه‌ای باشد که بیشتر بتوانیم به‌صورت یک جریان پیوسته آن را در دل تاریخ هنر ایران بررسی کنیم و آدم‌ها را به شکل منطقی در ادامه هم ببینیم. یعنی نه می‌توانیم به‌واسطه اهمیت نقاشی در اقتصاد هنر گرافیک را نادیده بگیریم، نه هیچ هنر دیگری را. نمایش، گرافیک، نقاشی، طراحی و ... در یک بدنه و در شکلی به هم پیوسته تاریخ هنر را می‌سازند و جداکردن اینها از یکدیگر درست نیست».

او بعد از این بر تأثیر آثار گرافیکی کارگاه نمایش بر جریان گرافیک ایران گفت: «به چند دلیل نمی‌توانم بگویم کارگاه نمایش بر جریان گرافیک ما تأثیرگذار است. یک اینکه جمع محدودی در این کارگاه حضور دارند و این جمع محدود در همان دوره هم به‌عنوان بخشی از جریان گرافیک

گزارش «شرق» از نشست «آرشیو گرافیک کارگاه نمایش»

آربی اوانسیان: در ایران رفتار با تئاتر ایرانی نیست



عکس‌ها: علیرضا فرهادی

پیدا می‌کرد»، کارگردان کارگاه نمایش گفت: «من می‌خواهم نام بیژن صفاری را ذکر کنم که حضورش بسیار مهم بود. او هم هنرشان بود، هم نقاش و هم آرشیکت اما مهم‌تر از هر چیزی به آزادی بیان به‌عنوان مدیر آتلیه گرافیک تلویزیون ملی ایران، حرکت آن در مسیر این دست از تجربه‌گرایی‌ها بسیار تأثیرگذار بود».

اوانسیان درباره اهمیت جایگاه طراح در کارگاه نمایش گفت: «ترتیب جمله‌هایی را که در ابتدای بروشورهای کارگاه درج شده بود، من انتخاب کردم. در آن جمله آمده است: «کمک به نویسندگان، بازیگران، کارگردانان و طراحان برای خودآزمایی‌ها و تجربه‌هایی به دور از محدودیت‌های متداول حرفه نمایش». اگر نام نویسنده در ابتدا آمد برای این بود که کارگاه زاده رابطه با نویسنده بود. بعد این متن‌ها باید بازی می‌شدند و بازیگران اهمیت داشتند. از سویی تربیت بازیگران برای ارتباط برقرارکردن با متن، بر عهده کارگردان‌ها بود و در نهایت کلمه طراحی که در آن زمان کلمه نویی بود، درج شده بود. کلمه طراح آن زمان استفاده نمی‌شد. طراح برای من بیشتر شبیه دیزاین بود و زیر این عنوان هم جنبه تصویری و گرافیک و دکور مطرح بود و هم طرح کلی. در واقع کلمه طراح که در نوبت چهارم آمده، کلمه وسیعی است. می‌تواند طراح صحنه، دکور یا هر چیز دیگری باشد».

او در تشریح این مسئله گفت: «اصولا در ایران تئاتر و رفتار با تئاتر از هر نظر، ایرانی نیست. عاریه گرفته شده و دگرگون شده است. اگر در ایران شعر فوق‌العاده وجود دارد یا موسیقی آن منحصره‌فرد است، باید توجه داشت که همه هنرهای فردی و خصوصی هستند اما هنرهای جمعی به دلایل گوناگون در ایران تکامل پیدا نکرده است. کارگاه محلی بود که می‌خواست این جنبه را نشان دهد. در هنر تئاتر مجرد معنی ندارد. آن زمان نقدهایی هم به ما نبود اما منتقدان و دستشان بود سرورکار داشتند و به این درهم‌تیدگی می‌زاسنن یک نمایش از پوستر، انتخاب محل اجرا و بازیگر گرفته تا دکور و استفاده نمایش‌نامه و هماهنگی اینها با یکدیگر توجهی نداشتند و آن را درک نمی‌کردند». اوانسیان گفت: کارگاه محلی بود در شمایل یک لابراتوار که در یک دادوستد تلاش می‌شد میان همه اجزا هماهنگی ایجاد کند.

شما اگر به بسیاری از طراحی‌های پوستر در کارگاه توجه کنید، بخش گسترده‌ای از آن گویای جهان خصوصی طراح یا حس برخاسته از نمایش‌نامه است و در برخی به شکل گسترده‌تر مفهوم کلی نمایشی را بیان می‌کند. اگر اتفاقی در حوزه گرافیک کارگاه افتاده است، منفک از عملکرد کلی کارگاه نیست. افراد در کارگاه نمایش اجازه داشتند کنار هم باشند و بدون شک متناسب با این همنشینی روی هم تأثیر می‌گذاشتند، از هم الهام می‌گرفتند و مسلم است که این نگاه منجر به اتفاق اصلی می‌شد که اصلا تقلید نبود. کارگاه نمایش یک محیط هماهنگ بود میان یک عده که با کارکردن و توجه به اثر دیگری به تجربه‌اندوزی و خلق پوستر دست می‌زدند و متوجه می‌شدند که می‌توان به‌عنوان مثال فلان اتفاق یا فلان کار را نیز در پوستر یک نمایش اجرا کرد. جریان پوستر در کارگاه یک جریان زنده بود و نفسش با همه تضادها و هماهنگی‌ها جاری است».

اوانسیان درباره یکی دیگر از جنبه‌های مهم در شکل پوسترهای کارگاه نمایش نیز گفت: «پوسترها به دلیل اینکه پوستر برنامه‌های ادواری بود تنها می‌خواست اعلام کند که این نمایش اجرا می‌شود. یعنی بیشتر سندی از تولید و اجرای نمایش بود. اما نکته این هست این پوسترها در همان محیط و فضای کارگاه با قیمت بسیار اندکی برای افرادی که علاقه‌مند به جمع‌آوری آن بودند، فروخته می‌شد و بروشورها بودند که به صورت دقیق کار اطلاع‌رسانی را انجام می‌دادند. پوستر بیشتر مثل یک یادبود برای نمایشی بود که در کارگاه نمایش اجرا می‌شد. بسیاری از آثار کارگاه نمایش مثل پوستر ادوار آرشامیان برای نمایش «بازی بی حرف» ساموئل

بکت، جزه آثاری بود که بارها تجدیدچاپ شد.

چاپ‌های اول از ۱۵۰ تا ۲۰۰ نسخه تجاوز نمی‌کرد؛ چون سیلک اسکرین بودند».

پوستر به اندازه دیگران یک تئاتر اهمیت دارد

یکی از اعضای کارگاه نمایش، نیز در ادامه به ذکر تجربیاتی در حوزه کار گرافیک خود پرداخت و گفت: تحصیلات من هنرهای کاربردی برای تئاتر و بعد زیبایی‌شناسی فیلم بود که هر دو آنها را نیز در آمریکا خوانده بودم. من متناسب با تحصیلاتم به فعالیت در کارگاه مشغول شدم و برای همین، از همان ابتدا هیچ فرقی بین پوستر، طراحی نور، صحنه لباس و دیگر اجزای تئاتر نمی‌دیدم. من اعتقاد داشتم اولین تماس هر مخاطب با پوستر است و پوستر درجه‌ای است برای ورود او به جهان نمایش. در طراحی پوستر، اصولا اگر فلسفه‌ای در اثر بود، دنبال می‌شد تا بتوانم به یک دید کلی که به آن تئاتر وابسته بود، برسم. هر تئاتر دیدگاه مختلفی داشت و من هم باید دید مختلفی می‌داشتم و از همین منظرگاه بود که به عقیده من پوستر به میزان طراحی دکور، نور و ... از اهمیت برخوردار بود.

او درباره تجربه‌های تصویری در پوسترهای کارگاه و استفاده از المان‌ها و نشانه‌های تصویری در آتارش نیز گفت: ما داشتیم در کارگاه نمایش تجربه می‌کردیم. در این تجربه هرکسی با یک دانسته‌ای در پس ذهنش می‌آید؛ اما در هنگام کار، کسی به آن فکر نمی‌کند که بر اساس کدام دانسته می‌خواهد فلان المان را به کار ببرد؛ در واقع در خلق این پوسترها ناخودگاه همه چیز است و هیچ چیزی نیست. به همین سادگی که گاهی من برای خلق پوسترم به چیزی جز دستم که نزدیک‌ترین وسیله برای خلق اثر بود، فکر نکردم و آن را انتخاب کردم. این هنرمند نقاش درباره نحوه کار خود در جریان تولیدات کارگاهی در کارگاه نمایش نیز سخن گفت: من نمی‌دانستم برای چه کسی طرح می‌دهم و مهم هم نبود. من برای دلم کار می‌کردم. در همان ابتدا تنها برای طراحی تقویم سال و کارت تبریک سال نو و چیزهایی از این دست، استفاده می‌کردند؛ اما بعدتر وابستگی عمیق‌تری با شهر و خردمند، ایرج انور، آشور بانی‌پال‌بابلا که از دوستاتم بود، پیدا کردم و باز از این افراد تنها سفارش می‌گرفتم و کار تحویل می‌دادم؛ اما باغ‌آلبالوی آربی

اوانسیان یک تجربه متفاوت بود؛ چراکه من باید در تمرین‌ها حضور پیدا می‌کردم و شاید تنها کارگردانی بود که من در جریان کار گرافیکی خود برای طرح پوسترش، مجبور بودم این کار را در دل کارگاه تجربه کنم. من فکر نمی‌کنم تجربه‌گرایی در کارگاه نمایش به گروه ربط داشته باشد، بیشتر به روحیه کارگاهی ربط داشت. در غیر این صورت، هنرمند برای خلق یک اثر از ناخودگاه و دنیای خودش استفاده می‌کند».

جسارت و صداقت ۲بال کارگاه نمایش بودند

آتیلا پسیانی، بازیگر و کارگردان تئاتر، نیز یکی‌دیگر از افرادی بود که در جریان این نشست سخن گفت. او درباره تفاوت میان نگاه طراحان گرافیک به پوستر در کارگاه نمایش و طراحان امروز، گفت: من معتقدم در طراحی گرافیک جسارت هنری از دست نرفته، بلکه شکل آن عوض شده است. جسارت در گروه‌های جدید هم وجود دارد؛ اما به هزارویک دلیل که همه می‌دانیم، شکل و شمایلش را تغییر داده است. او در ادامه گفت: برای جوان‌های آن سال‌ها این جسارت معنایی بسیار مهم داشت. جسارت و صداقت مثل دو بال پرنده‌ای بود که در کارگاه نمایش به پرواز درمی‌آمد. من به واسطه مادرم، زاییده یک سیستم دیگر تئاتری به نام فرهنگ و هنر بودم؛ اما دست‌پرورده یک سیستم دیگر به نام کارگاه نمایش شدم که اگر نگوییم متضاد، کاملاً با روند کارگاه نمایش مغایر بود. من این را با پوست و گوشتیم لمس کردم که کارگاه نمایش چقدر امکانات را به شکل غیرمستقیم به هنرمند می‌داد تا از این صداقت و جسارت به‌طور غیرمستقیم استفاده کند.

زیر آسمان فیروزهای

جدایی «پدرو آلمادوار» از «اصغر فرهادی» ادامه «همه می‌دانند» بایک کمپانی اسپانیایی دیگر



● گروه هنر: روز گذشته بنابر گزارش دنیای تصویر آتلان، اعلام شد که پدرو و آگوستین آلمادوار، دو نفر از تهیه‌کنندگان فیلم «همه می‌دانند»، به کارگردانی اصغر فرهادی، از همکاری با این پروژه انصراف دادند. آگوستین آلمادوار در حاشیه جشنواره فیلم «سویل» علت جدایی‌اش را چنین توصیف کرد: «در مورد فرهادی خیلی متأسفم. دیگر درک درستی از هم نداشتیم. به این نتیجه رسیدیم قبل از بالاگرفتن کار از یکدیگر جدا شویم. خوشحالم که فیلم در اسپانیا ضبط می‌شود و به‌عنوان یک تماشاکر به دیدن آن می‌نشینم». با علنی‌شدن این اتفاق، ثمن مهاجرانی، مسئول روابط‌عمومی فیلم «همه می‌دانند»، درباره عدم حضور پدرو و آگوستین آلمادوار به‌عنوان تهیه‌کنندگان مشترک فیلم «همه می‌دانند»، به کارگردانی اصغر فرهادی، توضیحاتی را در اختیار روزنامه شرق قرار داد که به این شرح است: «تصمیم به عدم همکاری با کمپانی برادران آلمادوار در تهیه فیلم «همه می‌دانند» پیش از شروع پیش‌تولید فیلم و در ماه می (اردیبهشت‌ماه) توسط تهیه‌کننده فرانسوی گرفته شده است. علت این تصمیم عدم تقاضم این دو کمپانی در برآورد بودجه تهیه فیلم بوده است. به همین دلیل عدم توافق برای آغاز پ‌روژه قبل از پیش‌تولید اتخاذ و پروژه با یک کمپانی اسپانیایی دیگر به‌عنوان تهیه‌کننده اسپانیایی وارد مرحله پیش‌تولید شده است. فیلم‌برداری «همه می‌دانند» چهار هفته دیگر به پایان می‌رسد».

نمایش «پدر» با چهره و صدای ماندگار جنگیز جلیلود



● گروه هنر: نمایش «پدر»، به کارگردانی محمود زنده‌نام، با حضور جنگیز جلیلود، صدایشه مانکار، از ۲۹ آبان اجرا خواهد شد. این نمایش به کارگردانی محمود زنده‌نام و تهیه‌کنندگی امید پیراینده، از ۲۹ آبان در پردیس تئاتر شهرهزار روی صحنه خواهد رفت. این نمایش‌نامه به قلم فلورین زلر به نگارش درآمده و ترجمه آن از سوی ساناز فلاح‌فرد صورت گرفته است. مهم‌ت جنگیز جلیلود به به‌عنوان صدای ماندگار سینما و تلویزیون ایران شناخته شده است، با این نمایش روی صحنه خواهد رفت. گفتنی است «پدر» اولین فعالیت او در مدیوم تئاتر، پس از انقلاب خواهد بود. میزپاھر مظلومی، فقیهه سلطانی، محسن بهرامی، ساناز فلاح‌فرد و سوگل خالقی دیگر بازیگران این پروژه هستند.

«هنر و تجربه» بین المللی شد

● گروه هنر: گروه سینمایی هنروتجربه به عضویت کنفدراسیون جهانی هنروتجربه با نام اصلی «سازمان بین‌المللی هنروتجربه» (CICAE) درآمد. امیرحسین علم‌اللهی، مدیر گروه «هنروتجربه»، ضمن تأیید این خبر، در گفت‌وگو با «شرق» عنوان کرد: «کنفدراسیون جهانی هنروتجربه بیش از دوهزار عضو فعال سینمایی دارد و ۴۱ کشور عضو این گروه هستند. این مدیر فرهنگی درباره حسن عضوشدن در این کنفدراسیون، عنوان کرد: «این کنفدراسیون با هدف جذب نیروهایی که در عرصه هنروتجربه هستند، منافع مشترکی را دنبال می‌کند. نکته درخور تأمل این است که بیش از سه هزار پرده نمایش در ۴۱ کشور دنیا دارد. همین نکته باعث می‌شود فیلم‌های ما در این گروه در سایر کشورهای عضو این کنفدراسیون به نمایش درآیند؛ یعنی نه‌تنها از نظر هنری حائز اهمیت است، بلکه سوددهی هم خواهد داشت». علم‌اللهی افزود: «این سازمان در سراسر دنیا چیزی حدود چهارهزار سالن و دو هزار عضو دارد و مناسبات هنر و تجربه و حفظ این نوع سینما در مقابل سینمای تجاری و برگزواری و رک‌شاپ‌های این گروه است» دعوت از استادان بهره‌مند شویم». کنفدراسیون جهانی هنروتجربه بیش از دو هزار عضو فعال سینمایی در حوزه سینمای هنروتجربه و بیش از سه‌هزار پرده نمایش در ۴۱ کشور دنیا دارد. دفتر اصلی این کنفدراسیون در آلمان و در شهر برلین واقع شده است.